

نگاهی به پیام امام خمینی(ره) به گورباچف؛ واکنش‌ها و تحلیل‌ها

به بهانه بیست و هشتمین سالگرد پیام پیامبرگونه امام خمینی(ره) به گورباچف ...



به بهانه بیست و هشتمین سالگرد پیام پیامبرگونه امام خمینی(ره) به گورباچف
نگاهی به پیام امام خمینی(ره) به گورباچف؛ واکنش‌ها و تحلیل‌ها
قسمت سوم (پایانی):

وزیر خارجه شوروی در ادامه گفت: آقای گورباچف معتقد است که مبارزه در راه نیل به یک دنیای عاری از سلاح هسته‌ای و آزاد از زور وظیفه تمامی ملت‌هاست. و اما راجع به سیاست خارجی اتحاد شوروی، هدف ما تعمیم رجحان ارزشهای مشترک برای تمامی ملت‌ها و برتری این ارزش‌ها بر تمامی منافع دیگر چه طبقه‌ای و چه ملی است. آقای گورباچف به شما می‌نویسد که حرف‌های امام راجع به حسن نیت رهبری ایران جهت داشتن روابط حسنه و حسن همجواری با اتحاد شوروی با واکنش خوب از طرف همدان، شاهر، مهاحه شده است.

ما دارای یک مرز بسیار طولانی هستیم همچنین دارای سنن دیرینه مناسبات و روابط فرهنگی بین دو ملت هستیم. ما اساس خوبی داریم برای استمرار مناسبات بر پایه جدید. یعنی بر پایه اصول احترام متقابل، تساوی حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر. گورباچف در پیام خود می‌نویسد که ملت ما نیز انتخاب خود را به عمل آورده و این در سال 1917 بود. در رهگذر ما، هم مشکلات بزرگی بود و هم موفقیت‌های چشمگیری بوده. هم اشتباهات وخیمی بوده است و هم نقض حقوق بشر بوده که ما با این اشتباهات خود را اصلاح می‌کنیم و آن را محکوم می‌کنیم. علی‌رغم تمامی مشکلات، ما از دستاوردهای خود توانستیم دفاع کنیم چون انتخاب مردم راست بوده است.»

در خاتمه این دیدار امام خمینی(ره) فرمودند: «ان شاء الله سلامت باشند، ولی به ایشان بگوئید که من می‌خواستم جلوی شما یک فضای بزرگتر باز کنم.»

[در خاتمه حضرت امام فرمودند:] من می‌خواستم دریچه‌ای به دنیای بزرگ، یعنی دنیای بعد از مرگ که دنیای جاوید است را برای آقای گورباچف باز نمایم و محور اصلی پیام من آن بود. امیدوارم بار دیگر ایشان در این زمینه تلاش نمایند». (صحیفه امام؛ ج 21، ص 301)

[حضرت امام از خروج نیروهای شوروی از افغانستان استقبال کردند، و بر حسن همجواری و توسعه مناسبات قوی در ابعاد مختلف در مقابله با شیطنتهای غرب و خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس تأکید و آرزو کردند تا مردم شوروی و ایران همیشه در صلح و آرامش زندگی کنند.]

ادوارد شوارد نادره آخرین وزیر خارجه اتحاد شوروی و اولین رئیس جمهور گرجستان در خاطرات خود می‌نویسد: سفر من به ایران و دیدار با آیت الله خمینی در سال 1989 که در آن زمان، روابط ما با ایران نه گرم و نه سرد بود و در حالی که شوروی در جنگ ایران و عراق، متحد عراق بود. در آن زمان، نیروهای ما در افغانستان بودند. پس از سرنگونی رژیم پهلوی در ایران به مدت هفت سال، ایران هیچ یک از رهبران ارشد شوروی به تهران سفر نکرده بودند. در 25 فوریه من پاسخ کتبی گورباچف را به محضر امام بردم. نامه امام خمینی(ره) به گورباچف گفت که شکست کمونیسم آشکار است. او نامه ای فلسفی و دینی نوشت.

اما نامه گورباچف به مسائل مربوط به روابط دوجانبه، همکاری‌های منطقه‌ای و راه‌هایی برای حل آن‌ها محدود بود. سفر من به ایران از اهمیت زیادی برخوردار بود. حتی قبل از ورود، سفر من، توجه مطبوعات ایران را جلب کرد. توجه خاصی در رسانه‌ها به جلسه برنامه‌ریزی شده با امام خمینی(ره) وجود داشت. سفر من به ایران همچنین از این نقطه نظر که در این دوره غرب، و به ویژه ایالات متحده، به ایران فشار سیاسی وارد می‌کردند، مهم بود. من وارد شدم و ایشان بالا نشسته بودند. در ورودی کفش‌ها را مثل مسجد در آورده بودم. حدود 15 دقیقه منتظر ماندم و پاهایم سرد شدند. این برای من کمی ناراحت کننده بود. تصور کنید که یک مرد با لباس مطابق با قوانین و مقررات دیپلماتیک، اما بدون کفش. از همان آغاز، به من گفته شد که من اولین سیاستمدار خارجی هستم که نزد امام می‌روم و پس از انقلاب اسلامی تا به امروز هیچ یک از مهمانان خارجی با امام ملاقات نکرده اند.

شواردناده در ادامه می نویسد: گفتم سلام، و به طور خلاصه آنچه گورباچف در پاسخ خود به نامه امام نوشته بود را خواندم و به مدت 15 دقیقه به من گوش دادند. گاهی اوقات به من سر تکان دادند و سپس به تفکر عمیق فرو رفت و گفت: من ناامید شدم. من شنیده بودم که گورباچف آدم اهل فکری است. نامه من در مورد جایگاه انسان در این دنیا و در آخرت بود. من در مورد مشکلات این جهان فکر نمی‌کنم. من در مورد جهان دیگر فکر می‌کنم و در مورد سؤال خودم هیچ پاسخی دریافت نکردم. اما در مورد عادی‌سازی روابط، من از آن حمایت می‌کنم. شوارد ناده در ادامه مطلب خود از احساس نگرانی از عدم رعایت شأن وزیر خارجه شوروی و نیز ضرورت لغو سایر دیدارهای برنامه ریزی شده می‌نویسد که با تماس وزیر خارجه وقت ایران از این فکر منصرف می‌شود. ایشان می‌نویسد که ولایتی گفت: برنامه را از تلویزیون ببینم. و من در تلویزیون ایران دیدم که پیامی به شرح زیر خوانده شد: « این یک جلسه تاریخی بود. پس از این دیدار، یک مرحله جدیدی از روابط با اتحاد جماهیر شوروی آغاز خواهد شد. در این جلسه که به مدت یک ساعت به طول انجامید و بی‌سابقه بود.» و این موضوع موجب خوشحالی من شد. او در ادامه می‌نویسد که آیت الله خمینی مرد بزرگی بود و این پیام موجب نوع جدیدی از رابطه براساس اصل برابری و البته بعداً در یک رابطه جدید بین ایران و گرجستان اثر گذاشت. (2009،)

سال‌ها بعد عبدالکریم بی‌آزار شیرازی نقل می‌کند که «من همراه با یک عده‌ای از دوستان در یک سمیناری با علمای مسیحی در گرجستان شرکت کردم؛ در آنجا بنده یک مقاله داشتم و ارائه کردم، بعد از سمینار ما (جمع هیئت ایرانی) یک دیدار و ملاقاتی با ادوارد شوارد ناده در گرجستان داشتیم. معلوم بود که ایشان آدم بسیار با شخصیت و خیلی خردمند و فهمیده‌ای است. در این دیدار خاطرات دیدارش با امام را برای ما تعریف کرد. ایشان بیان کردند که «برداشت من از امام خمینی(ره) این است که ایشان یک ابرمرد تاریخ بود، شخصیت بزرگی بود».

(<http://www.jamejamonline.ir/1333163953904361427>).

یک نکته جالب درباره نامه امام این است که بند آخر این نامه درباره دعوت به بهبود روابط هم در شوروی و هم خارج از آن بسیار بیش از سایر ابعاد آن مورد توجه واقع شده است. جان پارکر روس شناس برجسته در آمریکا و از دست اندرکاران دولت آمریکا در کتاب رویای پارسی بیشتر بر همین موضوع تأکید کرده و نقش پیام امام را در آغاز دوره جدیدی در روابط دو کشور مورد دقت و امعان نظر قرار داده است. او به نکته دیگری نیز اشاره می‌کند و آن اظهار نگرانی الکساندر یاکولف از مشاوران گورباچف در مورد احتمال تهدید بنیادگرایی دینی در ایران برای شوروی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است. او همچنین به تأکید ولادیمیر گودی منکو در بخش بین‌المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی در زمان تهیه نامه پاسخ گورباچف در مورد ضرورت ژئوپلیتیک معامله با ایران اشاره می‌کند؛ که به خاطر اولویت روابط با غرب در آن دوره خاص زمانی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

(Parker, 2009: 29-30)

* چهار. تحلیل‌ها درباره پیام

پیام امام در سال‌های بعد مورد تحلیل‌های مختلفی قرار داشته و رسانه‌ها و صاحب‌نظران گوناگون آن را مورد بحث قرار داده اند. یکی از تعبیر مهم در مورد پیام امام در سالگرد رحلت امام خمینی(ره) در 1378 بیان شده، گورباچف طی مصاحبه‌ای با خبرنگار واحد مرکزی خبر در مسکو گفته است: «مخاطب پیام آیت‌الله خمینی از نظر من، همه اعصار در طول تاریخ بود». وی افزود: «زمانی که من این پیام را دریافت کردم احساس کردم که شخصی که این پیام را نوشته بود متفکر و دلسوز برای سرنوشت جهان است. من از مطالعه این پیام استنباط کردم که او کسی است که برای جهان نگران است و مایل است من انقلاب اسلامی را بیشتر بشناسم و درک کنم». گورباچف سپس با تشریح نابسامانی‌های اقتصادی و سیاسی روسیه، تصریح کرد: «اگر ما پیشگویی‌های آیت‌الله خمینی را در آن پیام جدی می‌گرفتیم امروز قطعاً شاهد چنین وضعیتی نبودیم». گورباچف در مصاحبه خود با خبرنگار واحد مرکزی خبر به روابط روسیه با غرب اشاره و تصریح کرد که «اقتصاد روسیه از همان ابتدا در حال ریزش و سقوط بود و ما در واقع نمی‌توانستیم همگام با غرب عمل کنیم... ما از جنگ سرد صرف‌نظر کرده و شروع به برقراری روابط با کشورها نمودیم. اما غربی‌ها در این نبرد، پیروز شدند...» (روزنامه جمهوری اسلامی، 1378/3/11 و به نقل از <http://www.farsnews.com/8510090317>). لذا پیام را باید در یک سنت نشانه شناختی دینی نگریست. در صدر اسلام پیامبر اسلام(ص) این سنت را بنا نهادند و دعوت به دین را برای امپراتوری‌های زمان با این سنت آغاز کردند.

هفته نامه آلمانی اشپیگل در شماره

۱۶ دی ماه ۱۳۷۰ در این رابطه نوشته است: «پیش‌بینی آیت الله خمینی(ره) رهبر انقلاب ایران مبنی بر این که طی ۱۰ سال کمونیسم از گیتی رخت بر خواهد بست و اسلام، دین محبت به جنبش پیروزمندانه خود ادامه خواهد داد؛ در کمتر از سه سال تحقق یافت.» به نوشته این نشریه، «نامه امام خمینی(ره) نه تنها به سقوط شوروی بلکه به زوال رویای دیرینه کمونیسم برای تسلط بر جهان منجر شد».

(<http://www.bamdadnews.ir/17452>)

بعدها تحلیل‌گران و نویسندگانی از کشورهای روسیه و آسیای مرکزی و قفقاز که شرائط و محیط فرهنگی طرف ابلاغ این پیام را بیش از هر کسی درک کرده اند در این رابطه نکات مفیدی را یاد آور شده اند. راویل عین‌الدین، رئیس شورای مفتیان روسیه و از علمای موثر در این کشور می‌گوید: «امام خمینی نه تنها یک شخصیت معین در تاریخ اسلام بلکه در تاریخ بشریت هستند پیام امام به گورباچف برای همیشه تاریخ ارزش دارد و هنوز برای سیاستمداران و شخصیت‌های علمی و فرهنگی مهمترین

مطالب را دارا می‌باشند.» میخائیل پاپینکو از روسیه نیز معتقد است که ایده امام که بیش از دو دهه پیش ارائه شد، از پشتیبانی دین مسیح نیز برخوردار است. به عنوان مثال، اسقف اعظم کاتولیک پراگ، میلوسلاو ولک گفته که اروپا از صمیم قلب برای آن پرداخت خواهد کرد به خاطر فراموشی احکام مسیحیت دارد هزینه می‌پردازد. امام هشدار داد و استدلال کرد که غرب یک سراب است.

این نتیجه‌گیری توسط آیت الله خمینی بیش از دو دهه قبل ارائه شده و رویدادهایی که صورت گرفته است به روشنی آن را اثبات می‌کند.

تیمور عطایف استاد علوم سیاسی در باکو می‌گوید: «متن این نامه یکی از زیباترین اشکال ارائه اسلام در تاریخ معاصر است که گورباچف را به طور جدی به مطالعه اسلام دعوت می‌کند و آن را به عنوان یک روش ممکن برای رهایی همیشگی از شر مسائلی مانند افغانستان، و غیره مطرح می‌نماید.» (<http://www.islamnews.ru/24230.html>)

آلیگ سلطائف از قزاقستان باور دارد که از نامه به خوبی روشن است که آیت‌الله به معنای واقعی کلمه از شیطان‌های زمانه متنفر بود. اگر در سال 1989 پیام امام جدی گرفته می‌شد تا به امروز منابع طبیعی روسیه هدر نمی‌رفت.

آیت الله خمینی به طور مستقیم گورباچف را به اسلام برای پر کردن خلاء ایدئولوژیک اتحاد جماهیر شوروی دعوت کرد. او اشاره می‌کند که مأمور اطلاعاتی شوروی در ایران، ژنرال لئونید شبارشین معتقد است که «آیت الله خمینی برای اولین بار ایران را به یک دولت واقعاً مستقل تبدیل کرده که مسیر خود را می‌رود و هیچ دولت دیگری نه آمریکا و نه روسیه و نه اروپا در آن تأثیری ندارد.»

(http://www.sultanov.org/oldversion/life_102.html).

چنین برداشت‌هایی از شخصیت امام و چنین تعبیری از محتوای آن نامه بر نقش ابلاغی و دعوتی این نامه تأکید دارد که آن را گامی بس فراتر از مکتوبات سیاسی زمانه قرار می‌دهد.

این نکته که ادراک سیاستمداران و شخصیت‌های دینی متفاوت است موضوعی است که شاید با ادبیات سیاسی جهان مدن کمتر سازگار است. دولتمرد مدرن معاصر در بند منافع ملی یک دولت است اما مراجع دینی برای خویش رسالتی فرا ملی فراراه می‌نهد و مسئولانه در قبال همه بشریت می‌اندیشد. حسین علی‌اف معاون وقت رئیس‌جمهور کشور آذربایجان در امور حقوق بشر می‌گوید: «بی‌شک تأثیر امام، عمیق بود، چون ایشان طوری رفتار می‌کردند که بین گفته‌ها و عمل ایشان تفاوتی احساس نمی‌شد و مردم به ویژه مسلمانان را با واقعیت‌ها آشنا می‌ساختند. حتی غرب را نیز نسبت به واقعیت‌ها آگاه می‌کردند، در پیام امام به گورباچف، ایشان تذکرات مهمی را در باب مسائل مختلف عنوان نموده‌اند.

مهرالنساء شاعر و ادیب تاجیکستانی نیز بر این باور است: «با پیام امام خمینی به گورباچف، عمق و ژرفای شخصیت دینی الهی ایشان بر ما پدیدار می‌شود. این پیام در تاریخ هر دو کشور و در تاریخ جهان معاصر ماندنی است و نقطه عطفی در تاریخ هر دو کشور است. امام خمینی شخصیتی روحانی و عارف بودند. ایشان به جهان هستی نیز در همین راستا می‌نگریستند و تنها چنین دیدگاهی است که انسان معاصر را ملزم به رویکرد دینی و اسلام‌گرایی می‌کند. جهان معاصر، شخصیت امام خمینی را در این پیام دریافته است. روح بلند و آسمانی ایشان قابل ستایش است. این پیام در آن دوره غفلت، تمام مردم جمهوری‌های شوروی را تحت تأثیر قرار داد و آنها را دگرگون کرد. ما هیچ وقت فکر نمی‌کردیم که به این زودی صدای روح‌بخش اذان را از گلدسته‌های مساجد خود بشنویم و امام خمینی نوید چنین سعادت می‌بودند.» همچنین بیک عثمانف، امیر معاون صدا و سیمای جمهوری قرقیزستان بر آن است که با پیام امام خمینی به گورباچف ما در حقیقت به عمق شخصیت ایشان پی بردیم و فهمیدیم که امام خمینی شخصیتی سیاسی در ردیف سایر رهبران کشورها نیست. بلکه مقام مذهبی دارد و در میان مردم شخصیتی مقدس است. آن پیام، مهمترین و رساترین صدای انقلاب ایران در میان ملت ما بود.»

(<http://www.imam-khomeini.ir/>)

اما یک نکته مورد توجه نویسندگان و اندیشمندان منطقه، تأکید بر خصلت فلسفی نامه امام و مبانی انسان‌شناسانه آن است. عرالی یف ضمیر از قرقیزستان می‌گوید: «از امام خمینی تعجب می‌کنم که گویا همه این حوادث را در منطقه پیشگوئی کرده بودند و این نقطه‌ی نظر برایم البته بسیار جالب است که حق با امام خمینی بود، نه با گورباچف. هر کدام از آنها به مبانی معنوی و فلسفی متکی بودند، گورباچف به مارکس و لنین، امام خمینی به حضرت محمد و قرآن. گورباچف به ایده‌ی اولویت ماده متکی بود و امام خمینی به ایده‌ی اولویت روح لاله‌الاله و محمدرسول‌الله. و با وجود این که کمونیست‌ها نمی‌خواهند اذعان کنند، تاریخ یک بار دیگر ثابت کرد: تاریخ پیدایش، جهان الوهیت است.»

سلطائف، رینات معاون کمیته دومای روسیه بر این اعتقاد است که «امام خمینی استبداد شرق و غرب را محکوم کرد و با آن به ستیزه پرداخت، با توجه به پیام امام به گورباچف می‌توان گفت همان طوری که همه جهانیان شاهد بودند تمام پیش‌بینی‌های امام در مورد شوروی به حقیقت پیوست. باید سیاستمداران ایران و روسیه و سایر کشورها، افکار سیاسی امام را به عنوان یک دستورالعمل مهم در معاملات جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و از آن برای پیشبرد صلح و برقراری آرامش و دوستی و ارتقای فرهنگ بشری استفاده کنند.» (<http://www.imam-khomeini.ir/21569>)

امام به عنوان یک رهبر مذهبی و یک مرجع دینی از یک سو به تکلیف‌الهی خود عمل کردند و از سوی دیگر به عنوان یک رهبر سیاسی دیدگاه خود را درباره یک نظام سیاسی که خواسته‌های مردم را به طور سیستماتیک و نهادینه شده و براساس ایدئولوژی‌ای که تلاش می‌کرد، واقعیت‌ها را براساس مطلوبیت‌های خود، تبیین و تحلیل کند، ارایه کرده بودند. از نگاه الهه

کولائی این پیام تاریخی، سرنوشت اتحاد شوروی را به عنوان یک سرنوشت محتوم بر اساس سنت‌های الهی پیش‌بینی کرد. در واقع ایشان بر پایه سنت‌های الهی، هر آنچه را که رو به خداوند ندارند، رو به فنا می‌دانست. اینکه یک زن و یک مرد برای ارسال این پیام انتخاب می‌شوند، بسیار مهم و نمادین است. این برای یک رهبر مذهبی خیلی معنی‌دار بود. با توجه به مسائل مختلف در کشورهای اسلامی، حضور یک زن و نیز حضور یک روحانی در تیمی که این پیام را می‌برد، در جای خود بسیار قابل تأمل بود. و در آن شرائط خاص که این پیام ارسال شده، اتحاد شوروی با مشکلات جدی در مسیر اصلاحات مواجه بود طبعاً در عالم سیاست پیشگوئی خیلی نمی‌تواند جایگاهی داشته باشد ولی روند تحولات در اتحاد شوروی برای بسیاری از صاحب‌نظران، تناقضات و سؤالات جدی مطرح کرده بود که آیا گورباچف خواهد توانست روند تخریب شرائط و تشدید بحران را کنترل بکند یا نه؟ این یک واقعیت است که سقوط چنین ابرقدرتی با این عظمت که ۷۰ سال مزاحم خیلی جدی برای قدرتمندان جهان به حساب می‌آمد، بسیار عجیب بود. شوروی بدون اینکه حتی گلوله‌ای شلیک بشود از بین رفت. این، حادثه عظیمی بود. پیش‌بینی این حادثه عظیم از سوی یک رهبر سیاسی و مذهبی حائز اهمیت است. درباره اتحاد شوروی طبیعی است که در بین همه نظریه‌پردازانی که در آن ایام مطلب می‌نوشتند، دیدگاه‌های متفاوت وجود داشت و طبیعی است که بحث امام هم یک بحث تخصصی کارشناسی نمی‌توانست باشد ایشان فقط به عنوان یک رهبر مذهبی و یک رهبر سیاسی، با توجه به تأکیدی که بر نقش مردم داشتند و طبیعتاً بر آموزه‌های دینی، رویکرد ضدالهی چنین نظامی را رد می‌کردند، شوروی را محتوم به شکست تلقی می‌کردند و از این زاویه به صورت منطقی می‌شد به فروپاشی آن رسید (کولائی؛ 1390: پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران/ 13 دی 1390).

به تعبیری «نامه امام به گورباچف بعد از پایان جنگ، یک کار معجزه‌وار بود و در اصول و مناسبات عادی ما نمی‌گنجد. این، شهودی بود که حضرت امام پیدا کرد و مربوط به خودش بود. یکی از کارهای بسیار جالب امام هم این بود که در تمام مدت عمرش فقط یک هیئت سیاسی تعیین کرد. عصاره کلام امام در این نامه، این بود که مشکل امروز شوروی و دنیا، دوری از خدا و معنویت است و مشکل دوری از معنویت، با روش‌های مادی حل نمی‌شود و مبادا در باغ سبز غربی‌ها، روسیه را در یک فریب جدید فرو برد.

مهدی صفری، سفیر اسبق ایران در روسیه می‌گوید: پس از نامه امام، آقای ساجدی، کارشناس مجری تلویزیون را بردیم ملاقات گورباچف تا با او درباره نامه حضرت امام مصاحبه کند. گورباچف گفت: «ما آن موقع نفهمیدیم امام چه می‌گوید؛ بعدها فهمیدیم و پیش خودمان فکر می‌کردیم منظور ایشان آموزش طلاب و دانشجویان دینی است» (<http://cissi.ir>) امام خمینی(ره) در این پیام تلاش کردند تا به گورباچف چند نکته را تفهیم کنند: نخست اینکه برخلاف تصور مارکس و لنین، اسلام و ارزش‌های دینی، پدیده‌هایی ماندگار و روح‌بخش ملت‌ها هستند. دوم اینکه کمونیسم و مکاتب مادی وهم و خیالند و ناپایدار و فروپاشیدنی هستند. و سوم غرب تکیه‌گاه قابل اعتمادی برای حل مشکلات روسیه نیست. (<http://www.farsnews.com/8510090317>)

اساساً پیام امام سه محور دارد: محور اول این است که مارکسیسم یک خطر و یک تهدید بزرگی بود و یک ضربه عظیم و یک خسارت بزرگی برای شوروی بود ولی خطر لیبرالیسم غربی یعنی مسلک غرب و سرمایه‌داری غرب کمتر از آن نیست. محور دوم توجه امام به این است که اگرچه ظواهر و بیانات مسلک غرب که ما اسمش را لیبرالیسم می‌گذاریم با مارکسیسم تفاوت دارد، لکن اینها یک جوهر مشترک دارند. این هم از ویژگی‌های امام در توجه به ریشه و پایه امور است و آن ریشه مشترک در واقع مادی‌گرایی ماتریالیسم است. محور سوم تأکید امام بر معرفی راه نجات ملت‌هاست که همان توجه به اسلام است. امام اسلام را یک تفکر زنده می‌دانست که به درد همه انسانها می‌خورد و محدود به کشور ما یا کشورهای خاص یا به زمان خاص نیست. (لاریجانی در سایت: <http://library.tebyan.net/71833/5>)

ای. ک. پاولویک شخصیت روسی می‌گوید: «پیام رهبر معنوی ایران در بردارنده نکات مهمی است: نخست اینکه قسمت بزرگ پیام مربوط به نقش وراثت معنوی ملت‌ها در جهان کنونی است. باور امام خمینی به رهبر جدید شوروی میخائیل گورباچف همچون انسانی که می‌تواند اصلاحات بنیادی در کشور را شروع نماید. دوم؛ امیدواری امام خمینی بر اینکه در اتحاد شوروی می‌تواند جامعه‌ای تشکیل شود که در آن ارزش‌های معنوی در یک سطح با رفاه مادی قرار خواهد داشت.

اما سومین نکته آن است که با داشتن اطلاعات کافی راجع به ترکیب نژادی جمعیت اتحاد شوروی، امام خمینی از میخائیل گورباچف دعوت می‌کرد که به طور دقیق اسلام را مورد تجزیه و تحلیل و مطالعه قرار دهد. نادیده گرفتن عامل مذهبی در سیاست داخلی و خارجی چنان که رهبر معنوی اخطار می‌کرد می‌تواند موجب برانگیختن برخوردهای جدید نظامی بشود. چهارم اینکه امام خمینی خاطر نشان می‌کرد که ایمان مذهبی به اتحاد شوروی کمک می‌کند یک دولت قوی شود و همچون نمونه آن ایران را یاد می‌کرد که از برکات دین یک دولت غیرقابل شکست برای ابرقدرتها شده است. فقدان ایمان در جامعه شوروی، موجب مشکلات در تمام رشته‌های زندگی اجتماعی و مقدم به همه در اقتصاد خواهد شد. و سرانجام اینکه ذکر آثار چه غربی (افلاطون و ارسطو) و چه آثار شرقی (فارابی و ابن سینا و ملاصدرا) و فیلسوف‌های شرق و غرب یک بار دیگر معلومات عمیق وی در رشته فلسفه و جهان‌بینی را نشان می‌دهد. نکات فوق الذکر پیام امام خمینی به میخائیل گورباچف ما را به این نتیجه می‌رساند: این پیام در حقیقت یک سند ایدئولوژی، فلسفی و کاملاً اخلاقی است. با ارزیابی درست و به موقع این پیام از طرف رهبران سابق اتحاد شوروی بسیاری از حوادثی که اکنون در روسیه صورت می‌گیرد می‌توانست نتیجه دیگری داشته باشد. (www.imam-khomeini.ir)

* پایان سخن

آنچنانکه در این نوشته آمد شرائط و بسترهای خاص این پیام که در گذاری تاریخی برای تعیین سرنوشت یک جامعه و انتخاب یک مسیر اهمیت زیادی دارد. نامه امام براساس یک سنت ابلاغ پیام الهی بود و سبکی کاملاً سنتی و دینی داشت که در اسلام امری برخوردار از یک سنت دیرپاست و بسط این تجربه سنتی در دوران معاصر اساساً برای اثرگذاری بر یکی از مقاطع حساس تاریخ بشری و تحول سیستمی بین‌المللی بوده است که بعدها با عناوینی چون پایان تاریخ یا آغاز درگیری‌های تمدنی و فرهنگی یا مفاهمه و تعامل دینی نام می‌گیرد.

فروپاشی شوروی و نامه امام خمینی(ره) موضوعی است که می‌تواند به فهم ما از رسالت جهانی رهبران دینی و انقلابی در مقاطع حساس تاریخی کمک کرده و چشم اندازی جدید مطرح کند.

نگارنده باور دارد که نامه حضرت امام خمینی(ره) یک دعوت به شکل سنتی و با زبان و منطق دینی و فلسفی تلقی می‌شود. نامه امام یک دعوت به دین در چارچوب سنت اسلامی و با استفاده از ابزارهای سنتی اعزام نمایندگان و به روش مکاتبه ای مستقیم و خطابه‌ای به طرف دعوت شونده است.

این روش با بهره گیری از استدلال فلسفی، مخاطب را مستعد استدلال عقلی خویش یا عقلای قومش دانسته است تا در دوره گذار و پیچ تاریخی سرنوشت یک ملت راه درست را برگزیند. این نامه در شرائطی ارسال شد که دو سال بعد شوروی فروپاشید و مجادلاتی جدی در عرصه اندیشه‌ای جهان بر مدار مفاهیم «پایان تاریخ» و «برخورد تمدن‌ها» و سپس «گفتگوی تمدن‌ها» در گرفت.

مهم ترین مفاهیم مطرح شده در این نامه، چهار مفهوم به هم خوردن معادلات جهان؛ ضرورت باور به خدا در شکل دهی به نظامات جدید؛ دعوت به دین اسلام؛ و احترام به روابط دو کشور بود که در آن زمان این آخرین مفهوم مورد استقبال قرار گرفت و مقدمه ای برای روابط ایران و روسیه در سه دهه بعد بود. به خاطر فضای رسانه ای آن زمان امکان طرح و بحث جدی و فراگیر در مورد آن پیام وجود نداشته و از این رو تا سال‌های بعد کمتر مورد توجه محافل دانشگاهی قرار گرفت.

***** منابع و مآخذ

***** الف. فارسی

1. تحلیل نامه امام به گورباچف. مجله حضور. زمستان 1383، شماره 51.
2. جوادی آملی، عبدالله. کتاب بنیان مرصوص امام خمینی(ره) در بیان و بنان.
3. جوادی آملی، عبدالله؛ آوای توحید (نامه امام خمینی(س) به گورباچف و شرح نامه)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بهار 1372.
4. جوادی آملی؛ عبدالله (1378) کتاب آوای توحید. تهران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) (ره).
5. جمعی از نویسندگان؛ مخاطبین در وصیت نامه سیاسی - الهی حضرت امام خمینی ره، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، 1371.
6. خاطره ای از بی آزار شیراز. 14 دی 1392 در: <http://www.jamejamonline.ir>.
7. صحیفه امام خمینی(ره)؛ جلد 21.
8. عبداللہی. حامد. تحلیلی بر نامه تاریخی حضرت امام خمینی(ره) به امپراتوری کفر. <http://cissi.ir/71717&443543>
9. «فروپاشی در مسکو، هوشیاری در تهران». بی‌بی‌سی فارسی، ۲۵ دسامبر ۲۰۱۱. بازبینی‌شده در ۰۶ ژانویه ۲۰۱۲.
10. 10. کوزیچکین، ولادیمیر (1370) کا گ ب در ایران. ترجمه اسماعیل زند و حسین ابوترابیان. نشر نو.
11. 11. کولایی؛ الهه (1390) پیام امام به گورباچف، پیامی برای همه دولت‌ها. پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران؛ 13 دی. <http://www.jamaraman.ir/> 20010
12. 12. کیران؛ روجر و توماس کنی (1385) خیانت به سوسیالیسم؛ پس پرده فروپاشی اتحاد شوروی. ترجمه محمدعلی عمویی. تهران. نشر اشاره.
13. 13. موسوی. سید مهدی . مبانی قرآنی نامه امام خمینی(ره) به گورباچف در سایت: <http://maarefquran.org/index.php/page/viewArticle/LinkID,9325>
14. 14. متن کامل نامه تاریخی امام خمینی(ره) به گورباچف و پاسخ گورباچف. «صدای شکستن استخوان‌ها؛ نامه آیت الله به آخرین رهبر». بی‌بی‌سی فارسی، ۲۵ دسامبر ۲۰۱۱. بازبینی‌شده در ۰۶ ژانویه ۲۰۱۲.

***** ب. منابع روسی و انگلیسی

1. Parker, John (2009) Persian Dream, Washington, Potomak Book
2. , , (2006) , http://www.ng.ru/ng_religii/2006-06-21/7
3. , , , <http://historylib.org/historybooks/Gasym-Kerimov/48>
4. , 02.07.2001. . <http://2001.novayagazeta.ru/nomer/2001/45n/n45n-s19.shtml>
5. / . 9 2014. http://4pera.ru/news/tribune/v_gostyakh_u_imama_khomeyni
6. , <http://www.islamnews.ru/news-24230.html>

- .7
- 07.00.15, .8
- ., (2009), « » : .9
- Stroilov, Pavel, (2011) Iran's spiritual leader asked USSR to become Islamic. .10
.www.exarone.com/Jul 27, 2011
- Lauritzen, Erik (2011), Causes and Origins of the Collapse of the Former Soviet Union, The Ohio .11
State University, Report of Project, June 2011 in :
.https://kb.osu.edu/dspace/bitstream/.../FinalThesis-July-15-2011
- disserCat [http://www.dissercat.com/content/istoriya-mezhgosudarstvennykh-otnoshenii-](http://www.dissercat.com/content/istoriya-mezhgosudarstvennykh-otnoshenii-irana-i-rossii#ixzz3l309vFzq) .12
.irana-i-rossii#ixzz3l309vFzq

ج. سایتهای اینترنتی

- http://iec-md.org/monasebatha/digar/nameh_emam_gorbachev.html .13
- <http://farsi.khamenei.ir/ndata/news/28731/index.html> .14
- [/http://www.istmira.com/istnovvr/istoriya-mezhgosudarstvennykh-otnoshenij-irana-i-ro/page/31](http://www.istmira.com/istnovvr/istoriya-mezhgosudarstvennykh-otnoshenij-irana-i-ro/page/31) .15
- [.http://www.exarone.com/articles/4008](http://www.exarone.com/articles/4008) .16 .1
- http://www.sultanov.org/oldversion/life_102.html .17
- <http://www.jamran.ir/13374> .18
- <http://archlibserver.imam-khomeini.ir/site/catalogue/fulltext/651600/5022668> .19
- [.http://archlibserver.imam-khomeini.ir/site/catalogue/fulltext/594695/423185](http://archlibserver.imam-khomeini.ir/site/catalogue/fulltext/594695/423185) .20
- <http://www.imam-khomeini.ir> .21
- <https://rasekhoon.net/News/Print-61049> .22 .1
- [.http://www.jamran.ir/NewsContent-id_13374](http://www.jamran.ir/NewsContent-id_13374) .23
- [.http://www.imam-khomeini.ir/17_21562](http://www.imam-khomeini.ir/17_21562) .24
- [.http://alef.ir/vdccc0qs12bqmo8](http://alef.ir/vdccc0qs12bqmo8) .25
- [.http://www3.irna.ir/81493483](http://www3.irna.ir/81493483) .26
- [.http://library.tebyan.net/71833/2](http://library.tebyan.net/71833/2) .27
- [.http://www.borhan.ir/4651](http://www.borhan.ir/4651) .28
- <http://www.borhan.ir/4651> .29
- <http://www.jamran.ir/13374> .30
- <http://www.bamdadnews.ir/17452> .31
- <http://www.jamejamonline.ir/1333163953904361427> .32
- <http://www.farsnews.com/8510090317> .33
- <http://www.info-islam.ru/5-1-0-13391> .34
- http://www.sultanov.org/oldversion/life_102.html .35
- <http://www.islamnews.ru/24230.html> .36
- <http://cissi.ir/71717&443543> .37
- <http://library.tebyan.net/71833/5> .38
- <http://tnews.ir/news/660736390338.html> .39
- <http://www.irna.ir/News/81493483> .40
- <http://iqna.ir/fa/News/2757609> .41